

## جایگزین های تعقیب کیفری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان)

- مهدی شیداییان: استادیار گروه حقوق دانشگاه تهران، (پردیس فارابی)، قم، ایران (نویسنده مسئول). [m\\_sheidaei@ut.ac.ir](mailto:m_sheidaei@ut.ac.ir)
- سید محمود میر خلیلی: دانشیار گروه حقوق دانشگاه تهران، (پردیس فارابی)، قم، ایران. [mirkhalili@ut.ac.ir](mailto:mirkhalili@ut.ac.ir)
- شهرداد دارابی: استادیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. [shahrdad.darabi@yahoo.com](mailto:shahrdad.darabi@yahoo.com)
- مهدی طویلی: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. [mehditavili@gmail.com](mailto:mehditavili@gmail.com)

### چکیده

بر اساس اصل اقتضاء تعقیب کیفری، دادستان می تواند به سنجش امر تعقیب پرداخته از تعقیب متهم، خودداری کند؛ در این صورت جایگزین های تعقیب کیفری را به کار خواهد گرفت. جایگزین های تعقیب کیفری تدابیری هستند که دادستان ضمن انصراف از تعقیب کیفری، از آنها جهت اصلاح متهم و رعایت حقوق بزه دیده کمک خواهد گرفت. در سال ۱۳۹۲ در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، صرفاً مصادیقی از جایگزین های تعقیب کیفری همچون تعلیق و تعویق تعقیب، بایگانی پرونده و میانجی گری پیش بینی شد. در نظام حقوقی انگلستان، سرویس دادستانی سلطنتی، تعقیب را شروع نخواهد کرد مگر اینکه وجود دو معیار ادله کافی و منفعت عمومی را احراز کند. در این نظام، در فرض عدم تعقیب، جایگزین های متعدد تعقیب کیفری پیش بینی شده اند.

در این مقاله درصدد بررسی جایگزین های تعقیب کیفری در هر دو نظام حقوقی هستیم و اینکه چه وجوه افتراق و اشتراکی در آنها وجود دارد؟ آیا امکان بهره برداری جایگزین های تعقیب نظام کیفری انگلستان در نظام کیفری ایران وجود دارد؟ یافته های این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده حکایت از آن دارد که با توجه به ظرفیت نظام کیفری ایران و در صورت وجود زیرساخت های لازم، امکان بهره برداری از جایگزین های تعقیب انگلستان در ایران وجود دارد. مضافاً در جایگزین هایی همچون میانجی گری، ترک و تعلیق تعقیب، مشابهت؛ و در اخطار ساده و مشروط بزرگسالان و جوانان، تویخ و هشدار نهایی، پذیرش بزهکاری و معامله اتهام تفاوتی در هر دو نظام وجود دارد.

**واژه های کلیدی:** جایگزین های تعقیب، اصل اقتضاء تعقیب، دادستان، پلیس، ایران، انگلستان

### مقدمه

بر اساس رویکرد سنتی تعقیب، در جرایم غیرقابل گذشت پیگرد همه متهمین اجباری است و حتی در مورد جرایم خرد نیز، باید کیفرخواست صادر شده و برای رسیدگی به دادگاه ارسال شود. امروزه این رویکرد، حتی در کشورهایی که پیشرو در پذیرش و اعمال آن بوده اند نیز به طور مطلق اجرا نمی شود و به دلایل متعدد حقوقی، جرم شناسانه و مدیریتی تعامل به سمت رویکرد اقتضای تعقیب کیفری بیشتر شده است.

جایگزین های تعقیب بیانگر تغییر گفتمان سیاست جنایی از حالت تحمیلی و عمودی به سمت گزینشی و افقی است که مطابق آن مقام تعقیب برای تعقیب متهمین به صورت موردی عمل نموده، از حالت انفعال در فرایند کیفری به کنشگری فعال و محاسبه گر و مصلحت گرا تبدیل شده است (نورپور، ۱۳۹۲: ۳۳).

جایگزین های تعقیب کیفری بارزترین نمود رویکرد حداقلی تعقیب کیفری است که وارد قلمرو کیفری شده است. براین اساس، دادستان بعد از ارجاع پرونده، فقط گزینه تأیید قرار مجرمیت و صدور کیفرخواست را پیش رو ندارد، بلکه از راهبردهای دیگری نیز می تواند جهت مخومه کردن پرونده یا پیگیری آن استفاده نماید. به همین جهت رابین وایت از دانشگاه داندی، این اقدامات را «مجازات بدون تعقیب»<sup>۱</sup> نام نهاده است (House of commons justice committee, 2008-9:22).

از مهمترین پیامدهای پذیرش جایگزین های تعقیب در سیاست جنایی تقنینی ایران را می توان تمرکز زدایی در سیستم عدالت کیفری، ترافی شدن امر تعقیب، سرعت بخشی به فرایند کیفری، کاهش هزینه های نظام عدالت کیفری، افزایش دقت در رسیدگی های جزایی، کاهش جمعیت کیفری، رعایت کرامت متهم، فردی شدن واکنش های اجتماعی، پیشگیری از بزهکاری ثانویه، پیشگیری از تشدید بزه دیدگی، عدم طرد متهم از اجتماع و تأثیر اراده بزه دیده در تعقیب را نام برد.

در حقوق ایران، قانونگذار صرفاً مصادیقی از جایگزین های تعقیب کیفری را در مواد ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۲ ق. آ. د. ک<sup>۲</sup> پیش بینی نمود که این جایگزین ها صرفاً در جرایم دارای مجازات درجه ۶، ۷ و ۸ قابلیت اعمال داشته اند و با توجه به اینکه بر اساس ماده ۳۴۰ قانون مذکور، رسیدگی به جرایم درجه ۷ و ۸ به صورت مستقیم در دادگاه کیفری، به عمل می آید عملاً دادستان به عنوان مقام تعقیب، صرفاً در جرایم دارای مجازات درجه ۶، اختیار تعیین جایگزین ها را با وجود سایر شرایط قانونی خواهد داشت و در این صورت، بیشترین بحث مربوط به جایگزین های تعقیب در جرایم کم اهمیت بوده که در صلاحیت دادرس دادگاه کیفری می باشد؛ در حالی که ضروری بود محدوده قلمرو جرایم تحت شمول اصل اقتضاء تعقیب کیفری و به تبع آن اعمال جایگزین های تعقیب، گسترش یافته به لحاظ وجود منافع زیادی که در اعمال جایگزین های تعقیب وجود دارد مانند جرایم قابل تعلیق در اجرای مجازات که شامل جرایم درجه ۳ تا ۸ است جرایم بیشتری مشمول جایگزین های تعقیب کیفری قرار می گرفتند.

در حقوق انگلستان انتقال دادرسی به خارج از دادگاه<sup>۳</sup> در واقع تغییر پارادایم<sup>۴</sup> از نظام عدالت کیفری است. تعقیب کیفری فقط یکی از راه های اعمال قانون است. بدیهی است در فرضی که امکان تعیین جایگزین مجازات در مرحله دادرسی

1 . Punishment without prosecution.

۲ . قانون آیین دادرسی کیفری

3. out of court disposal  
4 . Paradigm- Shift.

در دادگاه وجود دارد (ماده ۶۴ به بعد ق. م. ا)<sup>۱</sup>، به طریق اولی، امکان تعیین جایگزین تعقیب، در مرحله تعقیب وجود خواهد داشت؛ و در این رابطه نمی توان هیچ اولویتی برای مرحله دادرسی نسبت به مرحله تعقیب متصور بود. به ویژه که اگر خروج متهم از فرایند دادرسی کیفری در مرحله اولیه فرایند (تعقیب) رخ دهد دارای منافع زیادی برای کنشگران جرم و نظام عدالت کیفری خواهد بود.

در انگلستان، پس از آنکه در سال ۱۹۸۵ و بر اساس قانون تعقیب جرائم (poa)<sup>۲</sup> امر تعقیب به سرویس دادستان سلطنتی (cps)<sup>۳</sup> سپرده شد. این مقام، قدرت و اختیار صلاحیدیدی زیادی در امر تعقیب پیدا کرد و در صورتی که بزه از دو معیار نفع عمومی<sup>۴</sup> و ادله کافی<sup>۵</sup> عبور نکرده باشد دادستان امر تعقیب را شروع نخواهد کرد در این صورت، دادستان با ابزارهایی که به عنوان بدیل های تعقیب کیفری شناخته می شوند مانند اخطار ساده<sup>۶</sup>، تویخ<sup>۷</sup> و هشدار نهایی<sup>۸</sup>، اخطار مشروط جوانان<sup>۹</sup>، اخطار مشروط بزرگسالان<sup>۱۰</sup>، پذیرش مجرمیت<sup>۱۱</sup>، معامله اتهام<sup>۱۲</sup> و میانجی گری<sup>۱۳</sup> با موضوع برخورد می کند به این منظور و جهت به کارگیری بهینه جایگزین های تعقیب، آیین نامه های اجرایی<sup>۱۴</sup> و دستورالعملهای<sup>۱۵</sup> متعدد و مرتبطی توسط مقامات ذی صلاح صادر می گردد و دادستانهای سلطنتی براساس آنها، مبادرت به تعیین نوع جایگزین های مربوط خواهند کرد.

بر اساس بند ۱-۷ و ۲-۷ از کد دادستان های سلطنتی ۲۰۱۸<sup>۱۶</sup> چنانچه حل و فصل خارج از دادگاه پاسخ متناسب با مجرم، شدت جرم و اوضاع و احوال پیرامون بزه ارتكابی تلقی شود می تواند جایگزین تعقیب محسوب شود.

در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، در صورت عدم تعقیب متهم بر پایه اصل اقتضاء تعقیب، آینده متهم به دو گونه ترسیم می شود یا اینکه پس از تعیین جایگزین تعقیب هیچ اقدام نظارتی و کنترلی صورت نمی گیرد یا اینکه پس از تصمیم به عدم تعقیب، جایگزین مربوط تعیین و با شرایطی، مقام تعقیب در جهت اطمینان از اینکه به کارگیری جایگزین ها به درستی صورت گرفته؛ اقدامات کنترلی و مداخله بعدی در وضعیت متهم صورت خواهد داد.

۱. قانون مجازات اسلامی

2. the crime prosecution act 1985.  
3. crown prosecution service.  
4. public interest stage.  
5. evidential stage.  
6. caution.  
7. Reprimand.  
8. Final warning.  
9. Youth conditional caution.  
10. Adult conditional caution.  
11. Guilty plea.  
12. Plea bargaining.  
13. Mediation.  
14. code of practice.  
15. Guidelines.  
16. the code for crown prosecution 2018.

نوشتار پیش رو سعی در شناسایی جایگزین های تعقیب کیفری در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان دارد. گرچه در باب جایگزین های تعقیب در حقوق کیفری ایران، مطالبی در قالب مقاله و پایان نامه به رشته تحریر در آمده است لکن هیچ گاه در صدد مقایسه جایگزین های تعقیب کیفری در دو نظام نبوده اند. در این مقاله، ضمن برشماری مصادیق جایگزین های تعقیب در هر دو نظام، وجوه افتراق و اشتراک آنها نیز مورد بررسی قرار گرفته؛ سپس با توجه به ظرفیت نظام عدالت کیفری ایران امکان یا عدم امکان استفاده از جایگزین های موجود در دو نظام حقوقی انگلستان، که از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردار هستند، مورد بحث قرار گرفته است که از این جهت نوشتار حاضر، جنبه نوآوری خواهد داشت.

## ۱- جایگزین های تعقیب بدون مداخله بعدی مقام تعقیب

مهمترین مصادیق جایگزین های تعقیب که بدون مداخله مقام تعقیب در هر دو نظام حقوقی قابل بیان می باشند عبارتند از: ۱- اخطار ساده ۲- توبیخ و هشدار نهایی ۳- ترک تعقیب ۴- بایگانی کردن پرونده ۵- پذیرش بزهکاری ۶- معامله اتهام که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

### ۱-۱- اخطار ساده

اخطار در معنای لغوی به معنای آگاه کردن، نصیحت کردن و ترغیب کردن می باشد (Campbell Black, 1990: 223). در تعریف اخطار ساده می توان گفت که در نتیجه اعمال آن، تعقیب کیفری در مرحله مقدماتی توسط پلیس متوقف می شود و از ورود متهمین جوان به دادسرا و دادگاه کیفری اجتناب می شود.

سیستم اخطار ساده توسط پلیس از انگلستان به سایر کشورها نیز توسعه یافته است (Jasch, 2010: 208). اخطار ساده از نظر ماهیت ذاتی واجد دو خصوصیت است: اول اینکه حکم نیست، بدین معنی که از آنجایی که پلیس اخطار ساده را صادر می نماید لذا این مورد، شکلی از صدور یک حکم نیست. دوم اینکه مطلق است، یعنی پلیس به عنوان مقام صادر کننده اخطار، نمی تواند شرطی در خصوص انجام وظیفه ای مشخص، مثل جبران خسارت کردن یا پرداخت غرامت<sup>۱</sup> به قربانی را قرار دهد. اخطار ساده یا به صورت هشدار شفاهی<sup>۲</sup> است که نباید به عنوان یک اخطار در سابقه کیفری فرد مرتکب ثبت شود و همچنین نباید (برخلاف اخطار) در مراحل رسیدگی بعدی در دادگاه ذکر شود (Sprack, 2014: 79). یا به صورت اخطار غیررسمی<sup>۳</sup> است که به گونه ای مبهم بوده و استفاده از آن توصیه نشده است (Home office circular 15/1994). یا به صورت اخطار حمایتی است که این اخطار نیز تعریف نشده است و یا به صورت اخطار افزایشی (یا اضافی)<sup>۴</sup> و یا به صورت اخطار به جوانان است که در بخشنامه شماره ۱۸/۱۹۹۴ وزارت کشور، امکان صدور اخطار جوانان، در خصوص پرونده های مرتکبین زیر ۱۸ سال، برای نیروهای پلیس مطلوب و مناسب ارزیابی گردید.

1. Payment of Compensation to the Victims.
2. Oral Warning.
3. Informal Caution.
4. Caution Plus.

دستورالعمل ۱۶/۲۰۰۸ اعلام می‌دارد: اخطار ساده بایستی در مورد جرایم کم اهمیت ( جرایم سطح پایین<sup>۲</sup>) به کار رود. در حقوق انگلستان در مراحل ابتدایی پذیرش اخطار به عنوان وسیله‌ای برای اعمال قاعده اقتضای تعقیب، محدودیتی برای صدور اخطار از نظر نوع جرم وجود نداشته است. اگر چه بخشنامه‌های اولیه نوعی توصیه برای عدم استفاده از این وسیله در جرایم سنگین ارائه می‌نمودند، ولی این مورد حالت الزام آور نداشت. کم کم ایرادات ناشی از این روش وزارت کشور را بر آن داشت که در بخشنامه‌های بعدی نوعی محدودیت از نظر نوع جرم قائل شود، تا اینکه نهایتاً در آخرین بخشنامه‌ها حتی صدور اخطار ساده برای جرایمی که فقط با صدور کیفرخواست<sup>۳</sup> قابل تعقیب هستند، ممنوع اعلام شد. نهایتاً دستورالعمل ۱۶/۲۰۰۸ اعلام نمود که تصمیم‌گیری درخصوص مناسب بودن صدور اخطار ساده برای جرم توام با کیفرخواست محض، در صلاحیت انحصاری سرویس دادستانی سلطنتی می‌باشد؛ که این امر از جهت جلوگیری از سوء استفاده پلیس از این اهرم که می‌توانست به سلب اعتماد عمومی منجر شود، مثبت ارزیابی می‌شود.

امروزه اخطار تنها در مورد مجرمان بزرگسال مورد استفاده قرار می‌گیرد (T. molan, 2001: 10). بر اساس دستورالعمل ۱۶/۲۰۰۸ به هنگام بررسی این مورد که آیا اخطار ساده مناسب است یا خیر، به سابقه کیفری مجرم هم التفات می‌شود (Home Office Circular 16/2008). در صدور اخطار ساده موافقت قربانی شرط صدور اخطار نیست، ولی دیدگاه قربانی می‌تواند بر روند صدور اخطار مؤثر باشد (شکرچی‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۲).

اهداف صدور اخطار ساده در حقوق انگلستان براساس بخشنامه شماره ۱۶/۲۰۰۸ وزارت کشور چنین برشمرده شده است: الف) رسیدگی سریع و آسان به پرونده. ب) عدم ورود پرونده به دادگاه. پ) کاهش احتمال جرم. ت) ثبت وضعیت کیفری فرد (Home Office Circular 16/2008).

در سیستم حقوقی ایران اخطار در مرحله تعقیب که به معنای اجتناب از ورود پرونده به چرخه دستگاه قضایی باشد وجود ندارد، بلکه قوانین مختلفی وجود دارند که در آنها اخطار به عنوان نوعی محکومیت در پایان رسیدگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله در چندین ماده از قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام از اخطار به عنوان مجازات در اولین مرحله از برخورد با متهم یاد شده است و در صورت تکرار جرم نیز، سایر مجازات‌ها پیش‌بینی شده است به طوری که ماده ۱۳ قانون اخیر الذکر مقرر می‌دارد: «دارو باید دارای پروانه ساخت یا مجوز از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد و عرضه و فروش داروی فاقد پروانه ساخت یا مجوز ورود از طرف داروخانه جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول - اخطار کتبی و جمع‌آوری داروهای غیر مجاز...» یا در ماده ۱۶ همان قانون مقرر شده است: «مسئول فنی باید در ساعات مقرر در داروخانه حضور داشته باشد و تخلف از آن جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد:

- 1 . Home Office Circular 16/2008, Op. Cit, No2.
- 2 . Low level offences.
- 3 . only indictable offences.

مرتب اول- اخطار کتبی با درج در پرونده...»، بنابراین ملاحظه می‌شود که در قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی اخطار به مرتکب به عنوان یکی از اقسام مجازات مرتبه اول پذیرفته شده است.

در مرحله دادرسی ماده ۸۸ ق.م.ا. نیز درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب جرم نه تا پانزده سال تمام شمسی باشد حسب مورد اخطار و تذکر یکی از تدابیر اصلاحی و تربیتی است که در نظر گرفته شده است. علاوه بر جرائم تعزیری، در جرائم مستوجب حد و قصاص هرگاه نابالغ مرتکب جرم شود در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد نیز اخطار و تذکر به عنوان یکی از ضمانت اجراها در نظر گرفته شده است (شکرچی زاده، ۱۳۹۴: ۶۲).

ملاحظه می‌شود که اخطار و تذکر در حقوق کیفری ایران، تدبیری اصلاحی و تربیتی و در راستای کیفرزدایی (اقتضای کیفر) و نه قضازدایی (اقتضای تعقیب) بوده و صرفاً در جرایم تعزیری و حدود و قصاص به عنوان مجازات پذیرفته شده است.

## ۲-۱- توبیخ و هشدار نهایی

در حقوق انگلستان نهاد توبیخ و هشدار نهایی، اولین بار در قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸<sup>۱</sup> ابداع گردید. این قانون به موجب مواد ۶۵ و ۶۶، صدور «اخطار» برای جوانان را نسخ و «توبیخ» و «هشدار نهایی» را جایگزین آن نمود. با تصویب این قانون در سال ۱۹۹۸، شاهد یک «سیاست کیفری تقنینی» در حقوق این کشور هستیم (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۱).

به موجب این قانون طفل بزهکار، پس از دستگیری توسط پلیس چنانچه سابقه کیفری نداشته باشد و بزه ارتكابی او جدی نباشد مورد توبیخ و هشدار نهایی قرار می‌گیرد و در این مورد نیازی به رضایت والدین طفل نمی‌باشد. در حالی که در «اخطار» سابق رضایت والدین طفل لازم بود (بابایی، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

توبیخ نوعی مختومه کردن پرونده کیفری خارج از دادگاه است که با توجه به سنگینی جرم و در هنگام ارتکاب اولین جرم توسط مجرم جوان با حصول شرایطی، صادر خواهد شد. طرح هشدار نهایی<sup>۲</sup>، سیستم توبیخ و هشدار نهایی را برای مجرمان ۱۰-۱۷ سال معرفی می‌نماید. شرط صدور توبیخ این است که مرتکب برای بار نخست مرتکب جرمی شود ولی هشدار نهایی برای مجرمی که برای دومین بار مرتکب جرمی شود، صادر خواهد شد و تعقیب و متهم کردن برای مجرم جوان زمانی مناسب خواهد بود، که جرم شدیدتری مرتکب شده و یا بر ارتکاب جرم خود اصرار می‌کند (Hannibal & Mount, 2008:483). اینکه اولین جرم ارتكابی با توبیخ مواجه می‌شود و این امر که حقوق انگلستان در این زمینه نظام لازم را ارائه نموده است و به اجرای قاعده اقتضای تعقیب سامان لازم را بخشیده است، قابل نمونه برداری در حقوق ایران است.

1 . The crime and disorder Act 1998.

2 .The Final Warning Scheme.

هشدار نهایی یکی از مصادیق قاعده اقتضاء تعقیب در مورد بزهکاری جوانان است. هشدار نهایی که مشابه با توبیخ است، که معمولاً در مورد آن متهمانی که قبلاً در مورد آنها توبیخ صادر شده و دومین جرم را مرتکب می‌شوند صادر می‌شود. پس از دریافت هشدار نهایی، اگر فرد جوان مرتکب جرمی شود بایستی تعقیب شود. تنها استثنایی که در این زمینه وجود دارد آن است که از صدور هشدار قبلی حداقل دو سال گذشته باشد یا این که جرم آنقدر سنگین نباشد که تعقیب صورت گیرد، که در این موارد هشدار دوم صادر می‌شود (Final Warning scheme, 2002:6).

بر خلاف اخطار ساده پس از صدور هشدار نهایی پلیس قانوناً مکلف است که مجرم جوان را به تیم بزهکاری جوانان<sup>۱</sup> ارجاع دهد. این اقدام همسو با سیاست گذاری کلی حقوق انگلستان می‌باشد که جرایم مربوط به جوانان را به سمت سیاست کیفری تربیتی سوق می‌دهد کارکنان گروه رسیدگی به جرایم جوانان<sup>۲</sup> نیز قانوناً موظف هستند تا در مورد مجرم جوان ارزیابی انجام دهند و در بسیاری مواقع برنامه مداخله‌ای<sup>۳</sup> که هدف آن جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم است را ارائه نمایند. برنامه‌های مداخله‌ای بایستی شامل یکی از عناصر جبران خسارت مستقیم به قربانی یا جامعه باشد. البته اینجا قابل ذکر است که عدم تبعیت از برنامه‌های مداخله‌ای، لزوماً به معنای ازسرگیری امر تعقیب نخواهد بود. داوطلبانه و اختیاری بودن یکی از ویژگی‌های ذاتی توبیخ و هشدار نهایی می‌باشد. بعلاوه شرکت در برنامه مداخله‌ای یا کنفرانس جبرانی نیز داوطلبانه بوده و صدور هیچ هشدار نباید به توافقی در زمینه شرکت در این برنامه‌ها منوط شود (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۲).

برای جلوگیری از سردرگمی و اعمال نظریات شخصی مراجع صادر کننده توبیخ و هشدار نهایی در سال ۲۰۰۲ میلادی و همزمان با انشاء طرح هشدار نهایی، ضمیمه‌ای به این طرح الحاق گردید که موضوع اصلی آن ارائه سیستمی جهت تعیین عوامل سنگینی جرم بود. سیستم مورد نظر، در مرحله نخست با دسته بندی جرایم به جرایمی که صرفاً با کیفرخواست قابل تعقیب هستند و سایر جرایم (جرایم اختصاری<sup>۴</sup> و جرایم دووجهی<sup>۵</sup>)، مراجع مختلفی را برای صدور توبیخ و یا هشدار نهایی هر یک اعلام نموده است، اما همین اعلام موید این واقعیت است که در اصل «قابلیت صدور توبیخ و هشدار نهایی» در همه انواع جرایم مشکل قانونی وجود ندارد. حتی در مورد جرایمی که ذکر شده توبیخ یا هشدار نهایی نباید صادر شود، اعلام شده است در موارد استثنایی و با تشخیص مراجع صدور، امکان صدور توبیخ و یا هشدار نهایی وجود خواهد داشت. قابل ذکر است که در مورد جرایم اختصاری و دووجهی، همچنان پلیس بدون ارجاع موضوع به دادستان در مورد صدور توبیخ و هشدار نهایی، تصمیم‌گیری می‌کند؛ لکن در جرایم قابل تعقیب با کیفرخواست (به جهت شدت و سنگینی جرم) صرفاً دادستانهای سلطنتی مجاز به صدور توبیخ یا هشدار نهایی خواهند بود.

- 1 . The Youth Offending Team(YOT).
- 2 . Yot worker.
- 3 . An Intervention Program.
- 4 . Either way offence.
5. Summery only offences.

در حقوق ایران، نهاد توبیخ و هشدار نهایی به عنوان یکی از مصادیق اعمال اصل اقتضاء تعقیب، مورد شناسایی قرار نگرفته است. اما ملاحظه مواد ۸ و ۲ از قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۲/۲۳، ما را به این واقعیت رهنمون می سازد که مقنن از «توبیخ کتبی» به عنوان یک مجازات در پایان فرآیند دادرسی استفاده نموده است.

البته در ماده ۸۸ ق.م.ا. در مرحله دادرسی نیز در خصوص جرایم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال شمسی به دادن نصیحت توسط دادگاه اشاره شده است و به نظر می رسد که این موضوع مترادف با توبیخ و سرزنش در حقوق انگلستان بوده است. ولی چنانچه ملاحظه می شود این موارد در ذیل فصل دهم این قانون در مقام اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است و توسط دادگاه اعمال می شود، که با مفهوم قاعده اقتضاء تعقیب که متوقف نمودن متهم در آغاز فرایند رسیدگی کیفری و جلوگیری از ورود او به چرخه عدالت کیفری و تحمیل تبعات تعقیب و رسیدگی است، مغایرت دارد (شکرچی زاده، ۱۳۹۴: ۸۱).

چون هدف هشدار نهایی، حل و فصل جرایم کودکان و نوجوانان خارج از دادگاه است ملاحظه می شود در حقوق ایران ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال به گونه دیگری است به طوری که بر عکس نظام حقوقی انگلستان که پلیس اختیار دارد نسبت به تعقیب یا عدم تعقیب طفل اتخاذ تصمیم کند در نظام قضایی ایران پلیس حتی از اختیاراتی که در ارتباط با جرایم عمومی افراد بزرگسال دارد، محروم است. مطابق مقررات کیفری ایران اولاً طفل با ارتکاب جرم هر چند جزئی، وارد چرخه عدالت کیفری می شود؛ ثانیاً پلیس در تعقیب یا عدم تعقیب یا تحقیق از طفل در صورت ارتکاب جرم اختیار قانونی ندارد. در حالی که چنانچه مقرراتی شبیه آنچه در انگلستان وجود دارد در حقوق ایران وجود داشته باشد، علاوه بر قضازدایی، از ورود بی رویه اطفال به چرخه عدالت کیفری جلوگیری می شود (نصرتی، ۱۳۹۷: ۴۲).

### ۳-۱- ترک تعقیب

اگر چه بزه دیده می تواند در جرایم قابل گذشت، از دادستان تقاضای صدور قرار ترک تعقیب را بنماید و دادستان نیز مکلف به پذیرش این درخواست می باشد، و موافقت یا عدم موافقت متهم نیز شرط نیست (برخلاف برخی مصادیق اصل اقتضای تعقیب) به همین لحاظ، صدور این قرار، دقیقاً منطبق با شرایط سایر مصادیق موقعیت داشتن تعقیب کیفری نمی باشد؛ لکن به لحاظ اینکه با صدور این قرار، متهم از چرخه دادرسی کیفری خارج می شود (حتی به صورت موقت) شاید بتوان این قرار را از موارد نزدیک به مصادیق اصل موقعیت داشتن تعقیب برشمرد. البته برخی حقوقدانان صدور این قرار را در راستای تحقق اصل موقعیت داشتن تعقیب دانسته اند (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳؛ ۹۵).

مورد مشابه در حقوق انگلستان مربوط است به اختیار دادستان در تحمیل شرطی بر بزهکار، مانند ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم، که به دنبال پذیرش این تعهدات از سوی بزه دیده دادستان تعقیب وی را متوقف خواهد کرد. این ترک تعقیب مشروط، شکلی از مجازات محسوب نمی شود، زیرا این



جبران خسارت فقط به صورت داوطلبانه بر بزهکار قابل اعمال است. در حالی که جبران خسارت موضوع حکم دادگاه یک جنبه بوده و مجازات محسوب می شود (Tak, 1986:67).

در صدور این قرار، صرفاً اراده شاکی نقش دارد شاید بتوان گفت، سپردن تعقیب یا عدم تعقیب امر کیفری به شاکی و عدم قائل شدن حق اظهار نظر برای مقام تعقیب با آموزه های مکتب دفاع اجتماعی نوین سازگار نیست زیرا عدالت کیفری باید مطابق با وجدان اجتماعی باشد و با احساس درونی هر فرد از مسئولیت اخلاقی اش سازگار باشد. بدین توضیح که اگر قرار است نظام سرکوبگر کلاسیک به کنار گذاشته شود، باید در عوض احساس مسئولیت بزهکار به وی باز داده شود.

در برخی از کشورها مقام تعقیب نه تنها از اختیار ترک تعقیب برخوردار است، بلکه می تواند تعقیب را با تحمیل شرطی بر متهم ترک نماید. ترک تعقیب مشروط در صورتی قابل اعمال است که متهم با آن موافق باشد، در غیر این صورت پرونده به دادگاه خواهد رفت (در اینجا ملاحظه می شود برخلاف حقوق ایران، موافقت با صدور قرار ترک تعقیب ضروری است).

ترک تعقیب مشروط واژه ای معادل تعلیق مجازات است، لیکن در مرحله تعقیب قابل اعمال است (مانند حقوق ایران). در ترک تعقیب مشروط، دادستان تصمیم نهایی خود بر تعقیب را تا پایان دوره تعلیق به تعویق می اندازد و در خلال دوره مزبور متهم ملزم به تبعیت از شرایط خاص و عام تحمیلی از سوی دادستان می باشد.

یادآوری این نکته جالب است که در انگلستان و ولز مراجع تعقیب از تحمیل یک جنبه جبران خسارت به عنوان شرط احتیاطی به طور صریح منع شده اند. دلیل این مطلب آن است که جبران خسارت به عنوان شرط احتیاطی، شکلی از مجازات محسوب نمی شود در حالی که جبران خسارت، موضوع حکم دادگاه جنایی در انگلستان و ولز، مجازات محسوب می شود. جبران خسارت در مراحل قبل از محاکمه فقط به صورت داوطلبانه قابل اعمال است (Tak, 1986:76).

#### ۴-۱- بایگانی کردن پرونده

تصمیم دادستان مبنی بر عدم تعقیب دعوی عمومی که در قالب بایگانی کردن پرونده در آرشیو دادرسی صورت می گیرد را بایگانی کردن پرونده دانسته اند. این شیوه معمولاً نسبت به جرم های کم اهمیت و بزهکاران بدون پیشینه به کار می رود (بوریکان، ۱۳۸۹: ۴۵). برخی حقوقدانان آن را بایگانی «خشک و خالی» نامیده اند (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

قانون آ. د. ک با در نظر گرفتن تأسیسات ارفاقی و اصلاح محور نوظهور به دنبال دادن فرصت بازگشت پذیری و اصلاح است. قرار بایگانی کردن پرونده از نوع ساده آن در ماده ۸۰ آن قانون مورد تقنین قرار گرفته است.

قانون گذار، بایگانی کردن پرونده را تحت آموزه های برخی دیدگاه های جرم شناسی مانند «برچسب زنی» مدنظر قرار داده است. به این سبب، مقام قضایی باید مجاز باشد در قبال کسانی که نخستین بار مرتکب جرم شده اند در راستای

پیشگیری از زدن برجسب منفی، به بایگانی پرونده اقدام نماید(آشوری، ۱۳۹۵: ۱۶۸). مقام قضایی می تواند با ملاحظات اقتصادی، روان شناختی، جرم شناختی و به ویژه نهاد قضا زدایی و لحاظ این که ورود متهم از دروازه عدالت کیفری می تواند آثار نامطلوبی بر روی متهم، خانواده و جامعه برجای گذارد از این اقدام به نفع جامعه و متهم چشم پوشی کند.

پرسشی که در این رابطه مطرح می گردد این است که با توجه به مزایای این روش، سبک بودن جرایم تعزیری مشمول آن و شرط فقدان پیشینه محکومیت مؤثر کیفری، چه دلیلی باعث گردیده که قانونگذار اعمال آن را منوط به صلاح دید مقام قضایی نموده است؟ آیا چنین امری باعث نخواهد شد مقام قضایی در هر پرونده بنا بر ملاحظات مختلف، باعث ایجاد تبعیض میان متهمین شود؟ بهتر بود قانون گذار در صورت وجود شرایط مربوطه، صدور این قرار را برای قاضی دادگاه الزامی و اجباری می نمود(تقی پور و سلیمی، ۱۳۹۷: ۷۵).

در حقوق کیفری انگلستان ذکر می از قرار بایگانی کردن پرونده نشده است.(جمشیدی و نوریان، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

#### ۱-۵- پذیرش بزهکاری<sup>۱</sup>

در این شیوه متهم پس از گفت و گو با دادستان به ارتکاب جرم اقرار می کند تا در اثر آن پایین ترین میزان کیفر از سوی دادگاه برای وی در نظر گرفته شود به عبارت دیگر، اقرار متهم به ارتکاب بزهکاری نزد دادستان به منظور برخورداری از کمترین اندازه مجازات را پذیرش بزهکاری می گویند. البته ماده ۱۴۴ قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ میلادی انگلستان اعلام می دارد که اقرار متهم در صورتی پذیرفته است که منطبق با واقع باشد( Ashworth & Redmayne, 2010; 265).

در نظام کیفری ایران قاعده پذیرش بزهکاری در جرایم مستوجب حد و تعزیرات واجد اثر شناخته شده است. در جرائم مستوجب حد، با توجه به مبنای شرعی قوانین، تأثیر توبه در آنها را می توان به عنوان پذیرش قاعده مذکور دانست. ماده ۱۱۴ ق. م. ا. مقرر می دارد: «در جرایم مستوجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می گردد. همچنین اگر جرایم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام معظم رهبری درخواست نماید». در مورد جرایم تعزیری نیز ماده ۱۱۵ ق. م. ا. مقرر می دارد: «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می شود. در سایر جرایم موجب تعزیر دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف را اعمال نماید». البته در جرایم تعزیری اقرار مرتکب، بر اساس ماده ۳۸ قانون مذکور، یکی از جهات تخفیف مجازات نیز برشمرده شده است.

---

1. Guilty Plea.

2 . The Criminal Justice Act 2003.

در انگلستان، دادستان در همه جرایم حق پیشنهاد نهاد پذیرش بزهکاری را ندارد. بنابراین در جرایم مهم و شدید و نیز در اتهامات سیاسی، دادستان ممکن است در احترام به قربانی و نیز با در نظر گرفتن احساسات عمومی تمایلی برای معامله و توافق با متهم نداشته باشد. براساس نظر شورای تعیین خطوط مجازات<sup>۱</sup>، هرگاه قبول مجرمیت در اولین فرصت ممکن و معقول یعنی در اولین مرحله دفاع صورت گرفته باشد، تخفیف بیشتری در نظر گرفته خواهد شد.

در دادگاه های صلح<sup>۲</sup> میزان قبول مجرمیت حدود ۹۰٪ است. در اکثر پرونده ها علت اینکه پذیرفتن مجرمیت مبنای تخفیف اساسی در مجازات محسوب می شود، آن است که مجرم با تمکین و همکاری خود به کوتاه شدن فرآیند دادرسی، کاهش کارهای معوقه ی دادگاه و ذخیره هزینه های معاضدت قضایی کمک می کند. اگر چه دادگاه، هم در اصل اعمال تخفیف و هم در میزان آن بنا به صلاحدید خود عمل می کند، با این حال رویه محاکم نشان می دهد که قبول مجرمیت در دادگاه جنایی<sup>۳</sup> (شاهی) نوعاً منتهی به تخفیف مجازات سالب آزادی بین یک سوم تا یک چهارم خواهد شد.

متهمان ممکن است در برخی موارد، اتهامات وارده را قبول کنند. به لحاظ اینکه آنها صرفاً بخشی از جرم را پذیرفته اند تمایل دارند: اولاً به اتهام متفاوت از اتهام اصلی؛ ثانیاً اتهام ضعیف تر محاکمه شوند ( بند ۱- ۹ از کد دادستان های سلطنتی ۲۰۱۸).

در این بین دادستان ها فقط قبول اتهاماتی را مورد پذیرش قرار می دهند که: ( بند ۲- ۹)

- ۱) دادگاه بتواند مجازات متناسب با شدت جرم ارتكابی تعیین کند.
- ۲) دادگاه قادر خواهد بود تا در موارد مقتضی و در صورتی که متهم از جرم، بهره مالی برده است دستور مصادره و توقیف اموال را صادر کند.
- ۳) به دادگاه ها، اختیارات کافی جهت تعیین دستورات جانبی<sup>۴</sup> داده شده باشد.

دادستان ها باید بر اقرار متهم که منتهی به عدم مجازات وی از حداقل مجازات قانونی است توجه ویژه ای داشته باشند. مضافاً دادستان ها نباید پذیرش اتهام توسط متهم را صرفاً به لحاظ اینکه اقدام مناسبی است قبول کنند (۹-۳ و ۴-۹). در بررسی اینکه اقرار متهم قابل قبول است یا خیر؛ اگر چه تصمیم گیرنده نهایی دادستان است لکن توجه به منافع و دیدگاه قربانیان و در مواردی خانواده آنها، هنگام اتخاذ تصمیم در مورد منفعت عمومی داشتن این اقدام، ضروری به نظر می رسد (۹-۵). برای دادگاه نیز باید دقیقاً روشن شود که اقرار متهم اولاً به چه کیفیتی صورت گرفته؛ ثانیاً چرا مورد پذیرش قرار گرفته است (قاعده طریقت داشتن اقرار در امور کیفری). در مواردی که متهم به ارتكاب جرم اقرار کرده

---

1. sentencing guidelines council.  
2. magistrate court.  
3. crown court.  
4. ancillary orders.

لیکن واقعیت امر به گونه دیگری است به لحاظ اینکه این اقرار در میزان مجازات قابل اجرا تأثیر می گذارد باید از دادگاه، درخواست شود که مدارک و ادله مربوط به آنچه واقعاً رخ داده بشنود و سپس بر اساس آن حکم صادر کند (۹-۶).

قبول مجرمیت می تواند موجب:

(۱) صرفه جویی در منابع.

(۲) جلوگیری از ورود لطمه به قربانیان، شهود و بستگان آنها از دادرسی کیفری شود.

پذیرش بزهکاری همیشه دارای نتیجه مطلوبی می باشد و نباید عملکرد CPS در به دست آوردن آن نادیده گرفته شود نباید صرفاً موفقیت CPS را در نرخ محکومیت رسمی ردیابی کرد؛ زیرا این معیار، معیار ناقصی است. هنگامی که پرونده وارد مرحله دادرسی شد (بدون توجه به قبول مجرمیت و موارد انصراف از تعقیب) احتمال تحصیل محکومیت توسط CPS در هر دو دادگاه صلح و شاهی دو در سه است. کاهش موفقیت CPS در تحصیل حکم از دادگاه با افزایش درخواست قبول مجرمیت همراه شد زیرا مواردی وجود داشت که با یک درخواست در دادگاه حل می شد. بالطبع در این گونه موارد تعقیب کیفری علاوه بر وقت و هزینه بالا چه بسا میزان موفقیت کمتری را نیز در پی داشته باشد (Sosa, 2012, 27).

چنانچه متهم اقرار به ارتکاب جرمی کرده و قرار بوده دادگاه نیز همان اتهام را جهت تعیین مجازات در نظر بگیرد لکن متهم در دادگاه از پذیرش اتهام خودداری کند؛ دادستان ها خواهان تعقیب متهم برای بزه ارتکابی خواهند شد (بند ۷-۹).

متهم ممکن است به لحاظ اینکه بخواهد به اتهام جرم سبک تر محاکمه شود اتهام را بپذیرد.

در مارس ۲۰۰۹ دادستان کل دستورالعملی<sup>۱</sup> برای دادستان ها صادر کرد که در پرونده های با موضوع کلاهبرداری سنگین و پیچیده به لحاظ مزایای زیر از قبول بزهکاری بهره ببرند:

(۱) دادرسی محدود (کاهش موارد دادرسی).

(۲) صرفه جویی در وقت

(۳) صرفه جویی در هزینه ها.

(۴) کاهش استرس روی قربانیان و شهود پرونده.

قبول مجرمیت نتایج قابل قبولی دارد؛ ولی باید بررسی شود چه ملاحظاتی در مورد بزه دیده و بزهکار و شاهد باید در نظر گرفته شود (House of commons justice committee, 2008-9:21).

در واقع به لحاظ هزینه های زیادی که تعقیب کیفری در پی دارد هر پرونده ای که احتمال تعیین مجازات در دادگاه را در پی دارد لزوماً نباید مورد تعقیب قرار گیرد.

---

1 . Guideline.

در نظام کیفری ایران پذیرش بزهکاری با نهاد توبه همانندی دارد. از دیدگاه حقوق جزای اسلامی، مجازاتی که برای مجرم توبه کننده در نظر گرفته می شود، با تخفیف یا عفو همراه است و از این باب یک تاسیس حقوقی در حقوق جزای اسلامی می باشد که بی شباهت به چانه زنی در اتهام نیست؛ به ویژه در جایی مانند زنا که با اقرار ثابت شود و زانی پس از محکومیت توبه کند، که در این حال اختیار دادرس در عفو زانی یا کیفر دادن وی، زمینه ای برای سازش میان زانی توبه کار و دادرس است. با این حال، این سازش پس از محکومیت است نه پیش از آن. پیش از آن، توبه حسب مورد اثری از اتهام باقی نمی گذارد تا سازش بر پایه آن معنا داشته باشد (عالیپور و عباسیان، ۱۳۹۴: ۷۱۱).

در پایان این بخش، مشخص می شود که نهاد پذیرش بزهکاری به شکلی که در حقوق انگلستان به رسمیت شناخته شده است در نظام کیفری ایران، وجود ندارد؛ مخصوصاً که موضوع مقاله، جایگزین های تعقیب کیفری بوده که ناظر بر مرحله تعقیب است و مواردی را که در قوانین ایران، به عنوان مصادیقی نزدیک به پذیرش بزهکاری شناخته شده اند در مرحله دادرسی کاربرد دارند. به همین جهت برخی معتقدند پذیرش مجرمیت با وجود اینکه نمونه ای از سازشی شدن عدالت کیفری محسوب می شود، جایگزینی برای تعقیب کیفری محسوب نمی شود؛ زیرا در مرحله دادرسی و صدور حکم اعمال می شود و این قاضی دادگاه است که در مجازات تخفیف می دهد یا عفو مرتکب را از مقامات ذی صلاح درخواست می نماید، در حالی که جایگزین های تعقیب در مرحله پیش دادرسی اعمال می شوند و این دادستان است که در متوقف سازی فرایند کیفری صلاحیت دارد و به جای رویکرد سرکوبگرانه تعقیب، از بدیل های آن استفاده می نماید (نورپور، ۱۳۹۲: ۹۵). لذا ضرورت پیش بینی این نهاد در حقوق ایران بیش از پیش احساس می شود.

#### ۶-۱- معامله اتهام<sup>۱</sup> (چانه زنی)

معامله اتهام قراردادی است فی ما بین مقام تعقیب کننده جرم و متهم که هر دو طرف ملزم به رعایت آن هستند و مفاد آن عبارتست از اینکه در صورت اعتراف متهم به جرم یا کیفیات مشدده آن در نظر گرفته نمی شود؛ برای مثال سرقت مقرون به آزار و اذیت، سرقت ساده یا حتی شروع به سرقت در نظر گرفته می شود، یا سایر اتهام های وارده به متهم نادیده گرفته می شود و فقط به جرم اعتراف شده رسیدگی می گردد و یا اگر فقط یک جرم باشد، اعتراف متهم باعث کاهش در میزان مجازات می شود (روشن قنبری، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

نیکلا پدیلد از دانشگاه کمبریج معتقد است نباید قدرت دادستان در چانه زنی افزایش یابد؛ بلکه باید این قدرت و اختیار متوقف شود (House of commons justice committee, 2008-9: 19). البته اساساً وی قبول دارد که چون پذیرش اتهام یا معامله اتهام به لحاظ اینکه به نفع قربانی جرم و نیز صرفه جویی در بودجه عمومی کشور است که نیاز به دادرسی را نیز برطرف می کند مفید است. در ادامه وی موفقیت معامله اتهام را در گرو دو شرط می داند:

---

1. Plea bargaining.

(۱) به متهمین توصیه می شود که مراقب باشند چه اقدامی انجام می دهند (اتهام را قبول می کنند؛ که در صورت توجه به اقدام خود این اقدام مناسب است در غیر این صورت خیر).

(۲) توجه به این نکته که منفعت عمومی لزوماً با امر تعقیب موافق نیست.

در مقابل مدیر دادستان‌های عمومی (DPP)<sup>۱</sup> در راستای گسترش سیستم چانه زنی به چند دلیل پذیرش این سیستم را مورد تشویق قرار داده از جمله این دلایل می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) وجود شفافیت در این اقدام.
  - (۲) جلوگیری از ارسال پرونده به دادگاه جهت ادامه دادرسی.
  - (۳) در صورت عدم چانه زنی پرونده به دادگاه ارسال خواهد شد. در این صورت اتخاذ تصمیم نهایی با دادگاه خواهد بود.
  - (۴) جلوگیری از افزایش و گسترش ایراد اتهام بی مورد (همان: ۲۰).
- معامله اتهام دارای اشکال متعددی است. کاهش شدت و میزان اتهام، کاهش شمار اتهام ها و یا نادیده انگاشتن تعدادی از آنها، کاهش محکومیت، جایگزین کردن اتهامات دارای پیامد منفی و درخواست نکردن مجازات از بارزترین شکلهای معامله اتهامی است (Schmallegger, 2010: 358).

در حقوق ایران معامله اتهام در مرحله دادرسی مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ صرفاً در ماده ۱۹۵ ق. آ. د. ک مقرر گردیده است که بازپرس، پس از تفهیم اتهام و ادله آن، می بایست به متهم اعلام کند که اقرار یا همکاری مؤثر وی می تواند موجبات تخفیف مجازات را در دادگاه فراهم کند؛ اگر چه برخی معتقدند از آنجا که نهاد معامله اتهام نیز همچون قرار تعلیق تعقیب نهادی است در مرحله پیش از دادرسی که به تدریج با افزایش اختیارات دادستان به وجود آمده است، علاوه بر افزایش اختیارات دادستان در قرار تعلیق تعقیب دعوی کیفری که با نهاد معامله اتهام همانندی می کند، می توان گفت اصلی ترین ماهیت نهاد معامله اتهام، اقرار و پذیرش مجرمیت و به گونه ای توافق با متهم برای فراهم آوردن بستری است که در آن متهم نیز در تعیین سرنوشت کیفری خویش نقش فعالی می یابد که از این منظر نیز با ماهیت قرار تعلیق تعقیب کیفری که همانا اقرار متهم و پذیرش بزهکاری وی است، همانندی دارد (عالیپور و عباسیان، ۱۳۹۴: ۷۱۵).

لیکن به نظر می رسد این تأسیس حقوقی در مرحله دادگاه مورد پذیرش قرار گرفته است به این نحو که به استناد ماده ۴۴۲ ق. آ. د. ک. پس از صدور حکم محکومیت چنانچه محکوم علیه به رأی صادره تمکین نموده و درخواست اسقاط تجدید نظرخواهی نماید، دادگاه صادر کننده رأی مکلف است تا یک چهارم مجازات را تخفیف دهد اما در حقوق انگلستان در این روش مذاکراتی بین مقام تعقیب و متهم انجام می شود تا مقام تعقیب، متهم را متقاعد کند تا به جرم خود اعتراف کند. در صورتی که متهم متقاعد شده و اقرار به جرم کند با مسئولیت کیفری کمتری مواجه خواهد شد. برای مثال سرقت مسلحانه ارتكابی توسط او به سرقت ساده و یا اتهام تجاوز او به عمل منافی عفت تبدیل می شود (میری، ۱۳۹۰: ۸۷).

---

1 . Director public prosecution.

البته حقوق دانان انگلیسی معتقدند تا قرن هجده میلادی هیچگونه سابقه و اثری از معامله اتهام در پرونده های کیفری در انگلستان نیافته اند (روشن قنبری، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

## ۲- جایگزین های تعقیب با مداخله بعدی مقامات تعقیب

به کارگیری برخی جایگزین های تعقیب توسط دادستان، بدون نظارت و کنترل بعدی نمی باشد بلکه در این موارد حتی در فرض اعمال جایگزین ها، مقام تعقیب متهم را به حال خود رها نکرده، مرتباً درصدد ارزیابی نتیجه عملکرد او می باشد. در ادامه به برخی از اینگونه جایگزین ها اشاره می کنیم.

### ۲-۱- تعلیق تعقیب<sup>۱</sup>

دادستان با وجود اینکه دلایل اتهام علیه متهم وجود دارد، می تواند پیگیری دعوی کیفری را برای مدت زمانی مشخص معلق نماید (جوان جعفری و نورپور، ۱۳۹۴: ۸۶).

تعلیق تعقیب از جمله راهکارهایی است که امروزه در سیاست جنایی مدرن و کارآمد مد نظر قرار می گیرد. این نهاد از یک مکانیزم تلفیقی تربیتی برخوردار است؛ ترس مجرم از تعقیب و محکومیت، عاملی بازدارنده از جرم است که با ضمیمه شدن به امید رهایی از جرم، از طریق اشتغال به رفتارها و فعالیت های پسندیده، هدف اصلاح و تربیت مجرمان را بیشتر محقق می سازد (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۷۲۳).

مضافاً تعلیق تعقیب با تأثیر گرفتن از نظریه «برچسب زنی» رفت و آمد متهم را در مراجع قضایی کم می کند. با این توضیح که در فرآیند برچسب زنی، به دلیل عدم گذشت جامعه نسبت به جرایم جزئی، به تدریج در تعامل با پلیس و نهادهای قضایی، فرد برچسب مجرمانه می خورد و در دنیایی متفاوت از دیگران سیر می کند. اما نهاد تعلیق تعقیب در جهت جلوگیری از فرآیند برچسب زنی، از تعقیب متهم صرف نظر می کند (مسجدی، ۱۳۹۴: ۱۹).

مشخص نیست چرا در حقوق ایران دامنه شمول جرایم در قرار تعلیق اجرای مجازات از درجه ۳ تا ۸ است ولی در تعلیق تعقیب این گستره از جرایم درجه ۶ تا ۸ است اگر چه نتیجه در هر دو مورد یکسان می باشد؛ اما از آنجا که در تعلیق تعقیب، شدت و منفعت مجازات نیز دخالت دارد باید دامنه جرایم قابل تعلیق گسترده تر می بود؛ زیرا آنچه در اینجا اهمیت دارد میزان مجازات است برخلاف تعلیق اجرای مجازات که شامل جرایم دارای مجازات سنگین نیز می شود. شاید این تفاوت چنین توجیه شود که در تعلیق تعقیب، متهم در همان مراحل اولیه رها می شود و رنج قرار تأمین و کیفرخواست و محاکمه را تحمل نمی کند. مضافاً بر اینکه در تعلیق مجازات معمولاً تمامی مجازات، معلق نمی شود بلکه بخشی از آن معلق می گردد (زراعت، ۱۳۹۸: ۲۷۳). به هر حال و به این جهت که مزایا و منافع متعددی در صدور قرار تعلیق تعقیب شناسایی شده اند به نظر، ایراد مطروحه وارد بوده و ضروری است قانون گذار اصلاح لازم را در این زمینه به عمل آورد.

1 . Suspension Prosecution.

در حقوق انگلستان از تعلیق تعقیب در مواردی استفاده می شود که نخست، با توجه به اوضاع و احوال پرونده، صدور این قرار مناسب باشد. همچنین، جرم از جرایم کم اهمیت باشد و اینکه، متهم به اتهام خود اقرار کرده باشد (Tak, 1986:67).

## ۲-۲- میانجی گری کیفی<sup>۱</sup>

تورم قوانین کیفری و ناکارآمدی نظام زندان ها و توجه به حقوق بزه دیده باعث گسترش نوعی عدالت مصالحه ای یا سازشی شده است که رضایت و توافق طرفین دعوا، عنصر اساسی و اصلی این گرایش محسوب می شود (بوریگان، ۱۳۸۹:۱۵).

میانجی گری، روش یا آیین حل اختلافات است بدون دخالت دستگاه های دادرسی؛ فرایندی که طی آن بر ضرورت مذاکره شرکت کنندگان با یکدیگر جهت حصول به یک توافق در خصوص دعوی مطروح تاکید و بر مبنای تصمیم سازی آزادانه و توأم با مشارکت طرفین، نسبت به حل و فصل خصومت اقدام می شود (افضلی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۵).

تجربه مفهوم میانجی گری قبل از شروع عمده در انگلیس عملاً به اوایل دهه ۱۹۷۰ بر می گردد (Sprack, 2014:79). لیکن از اوایل دهه ۱۹۸۰ پروژه های مختلف در انگلیس و ولز به دنبال استفاده از میانجی گری قربانی - مرتکب بودند.

میانجی گری در پرتو آموزه های عدالت ترمیمی در کشورهایی که از سیستم کامن لا تبعیت می کنند (مانند انگلستان) قلمرو گسترده ای از جرایم را در بر می گیرد حتی جرایم بسیار مهم مانند قتل عمد. با توجه به بافت اجتماعی، قومی، نژادی و فرهنگی در این گونه کشورها، ظرفیت سازش و میانجی گری کیفی بالاست.

در نظام حقوقی کامن لا، با باز بودن دست قضات نسبت به ارجاع موضوع به مؤسسات میانجی گری جامعوی و یا میانجی گری از طریق دخالت دستگاه های امنیتی، به موفقیت دست می یابند و در این مواقع، هنگامی که اصحاب دعوا (بزه دیده، بزه کار و جامعه) با توسل به این فرایند رسیدگی ترمیمی، هر کدام به نوعی، راضی می شوند؛ این طریق رسیدگی، رویه ای می شود برای دادگاه ها تا به استفاده از این الگوها سوق داده شوند و بیش از دیگر سیستم های حقوقی از این رویکرد استقبال نمایند (حسینوند، ۱۳۹۴؛ ۱۲۳).

در یک نگاه کلی، در مرحله پیش از محاکمه که شامل مرحله تعقیب و تحقیق است امکان اعمال میانجی گری وجود دارد و دیگر به مراحل بعدی دادرسی نیازی نیست که خود باعث صرفه جویی در وقت و هزینه نظام عدالت کیفری است. اعمال میانجی گری در این دو مرحله (تعقیب و تحقیق) هر چند به میانجی گری در مرحله محاکمه تفوق و برتری دارد اما اعمال آن بدون خطر هم نیست. مهم ترین ایرادی که اعمال میانجی گری در مرحله تحقیق دارد آن است که با

---

1 . Mediation.



اماره بی گناهی در تعارض قرار می گیرد. به عبارت دیگر اعمال میانجی گری در این مرحله یک «سلاح دو لبه» است (زید شریفی، ۱۳۸۵؛ ۹۱)؛ زیرا بزهکار علی رغم وجود اصل برائت، ارتکاب بزه و مسئولیت و تعهدات ناشی از آن را می پذیرد؛ زیرا بدیهی ترین اصل و پیش شرط ورود به میانجی گری، اعتراف به جرم و پذیرش مسئولیت های ناشی از آن از سوی بزهکار است. برای تعدیل خطر مذکور (مخدوش شدن اصل برائت) باید بزهکار بداند اگر میانجی گری موفق نشود ممکن است چه استفاده ای از پذیرش بزهکاری توسط مجرم صورت گیرد. چنانکه در سند شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد مقرر شده است: «شرکت بزهکار در فرایند ترمیمی نباید به عنوان دلیل اقرار و اعتراف او به گناه در تعقیب قانونی بعدی استفاده شود». ممکن است بعد از اقرار و اعتراف بزهکار و پذیرش مسئولیت، بزه دیده از شرکت در ادامه فرآیند سر باز زند و بزهکار علاوه بر این که بیشتر در ارتباط با عدم موفقیت آمیز بودن میانجی گری متضرر شود، از حصار اصل برائت هم خارج شده و همه فراین و شواهد علیه وی شود (عباسی، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

شایسته بود قانون گذار ایران در مورد جرایم حدود - قصاص و دیات نیز در صورتی که آن جرایم فاقد جنبه عمومی باشند امکان به کارگیری میانجی گری را پیش بینی می کرد؛ مانند حد کذف که اجرای حد منوط به مطالبه مقذوف است و در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد، تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می شود (ماده ۲۵۵ ق.م.ا) و یا در سرقت حدی قبل از شکایت مال باخته نزد حاکم (رفع الامر الی الحاکم) طرفین می توانند به میانجی گری متوسل شوند (بند «د» ماده ۲۶۸ ق.م.ا) و بعد از شکایت و قبل از اثبات نیز با گذشت شاکی، حد ساقط می شود (بند «ذ» ماده ۲۶۸ ق.م.ا). در قصاص عضو و قصاص نفس نیز می توان میانجی گری را به کار برد. رضایت بزه دیده در جنایات مادون نفس، نافذ است و اوست که می تواند قصاص کند یا عفو کند یا به مقدار دیه شرعی یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه کند (ماده ۳۴۷ ق.م.ا). در قتل عمد نیز ورثه مقتول هستند که جریان عدالت را در دست دارند و در فرایند رسیدگی، نقش مؤثر و به سزایی را ایفا می کنند (فروزش، ۱۳۸۶؛ ۸۸). لذا حق خصوصی بر حق عمومی در این موارد غالب است با این وصف، قابلیت های میانجی گری کیفری می تواند در قصاص (عضو یا نفس) کاربرد و نقش تعیین کننده ای داشته باشد، همانطور که در حقوق ایران در آیین سنتی خون بس و فصل مورد استفاده قرار گرفته و نتایج مفیدی نیز در بر داشته است.

در حقوق انگلستان، امکان احاله پرونده کیفری به میانجی گری در تمام مراحل دادرسی کیفری وجود دارد. در مرحله قبل از محکومیت، پلیس می تواند قبل از اخطار و یا همراه با اخطار، پرونده را به میانجی گری ارجاع دهد. در زمان محاکمه نیز این امکان وجود دارد که پرونده از طرف دادستان و یا از طرف دادگاه های صلح به سرویس های میانجی گری احاله شود. در صورت به دست آمدن نتایج منفی و نامتناسب در میانجی گری، این حق برای مقامات ذکر شده باقی می ماند که فرآیند میانجی گری را متوقف کرده و پرونده را به مسیر اصلی خویش باز گردانند (جانی پور و قریب، ۱۳۹۶: ۲۵۳).

بعد از محاکمه و حتی زمانی که بزهارکار در حال گذراندن دوران محکومیت هست نیز، امکان توسل به میانجی‌گری وجود دارد زیرا بزهارکار معمولاً در این مرحله از مراحل دادرسی به خطا و اشتباه خویش اقرار کرده و حاضر به پذیرش مسئولیت در قبال بزه دیده می‌شود.

با نگاهی به حقوق انگلستان متوجه می‌شویم که، اگر چه این کشور فعالیت‌های خود را در زمینه عدالت ترمیمی و احاله پرونده به میانجی‌گری کیفی با پرونده‌های مربوط به جرایم اطفال آغاز نمود، اما در این کشور برنامه‌های میانجی‌گری قابل توجهی نیز در زمینه جرایم بزرگسالان فعال می‌باشد. همانطور که قبلاً گفتیم در انگلستان، جرایم از حیث آئین دادرسی کیفی به جرایم اختصاری، جرایم توأم با کیفرخواست و جرایم دو وجهی تقسیم بندی می‌شوند. در صورت وجود شرایط لازم (همچون مشخص بودن بزه دیده و بزهارکار، پذیرفتن بزه توسط بزهارکار و اعلام گناهکاری...) در هر سه مورد، امکان احاله پرونده، به میانجی‌گری، مربوط به جرایم کم‌اهمیتی همچون جرایم مالی و جرایم علیه اشخاص مانند توهمین، افترا و تعرضات جسمانی فراهم است که به طور عمده وجهه خصوصی در آنها غلبه دارد و قابل گذشت هستند و به طور کلی جزو جرایمی هستند که در آنها بزه دیده وجود داشته باشد، زیرا در جرایمی که بدون بزه دیده باشند و یا بزه کار شناخته شده نباشد، امکان احاله به میانجی‌گری وجود ندارد (همان: ۲۴۵).

در تحقیقی که در سال‌های ۱۹۹۴ تا سال ۱۹۹۶ در این زمینه صورت گرفت، نشان داد که در ابتدا تنها جرایم مالی کوچک و جرایم خشونت‌آمیز (اکثراً حمله و تهدید) برای احاله به میانجی‌گری انتخاب می‌شد. اما از سال دوم، گزارش ارجاع پرونده‌های مربوط به سوء مصرف مواد و نیز جرایم جنسی نیز به میانجی‌گری، به آن اضافه شد. البته تنوع انتخاب پرونده‌های جهت ارجاع به میانجی‌گری کیفی به حوزه‌های قضایی نیز بستگی دارد. به عنوان نمونه در یک حوزه قضایی، ۳۵ درصد پرونده‌های ارجاعی به میانجی‌گری در یک سال، مربوط به سوء مصرف مواد بود، در حالی که در حوزه دیگر تنها ۳ درصد از پرونده‌های ارجاعی، مربوط به سوء مصرف مواد بود (Aertsen & Peters: 1998:511).

### ۳-۲- تعویق تعقیب

موکول کردن پیگردعوای کیفی به وقت دیگر را تعویق تعقیب دعوای کیفی گویند (نیازپور، ۱۳۹۰؛ ۱۷۹).

البته برخی معتقدند تمامی مصادیق جایگزین‌های تعقیب کیفی، دعوای کیفی را برای مدتی به تعویق و تأخیر می‌اندازد. در ماده ۸۲ ق. آ. د. ک، هیچ سخنی از قرار تعویق تعقیب به میان نیامده است. در واقع پرونده به تعویق می‌افتد ولی نتیجه آن معلق می‌شود (قادرپور، ۱۳۹۳؛ ۷۰).

همانطور که در مورد تعلیق تعقیب اشاره کردیم امکان صدور این قرار در مورد جرایم حدود - قصاص و دیات وجود ندارد که ضروری بود با توجه به خصوصیات اکثر این جرایم که قابلیت گذشت پذیری دارند، مقنن صدور قرار تعویق تعقیب را در مورد آنها نیز قابل اعمال می‌دانست تا این راهبرد که به منظور ترمیم خسارت‌های وارده به بزه‌دیده و نتیجتاً عدم تعقیب کیفی بزهارکار، پیش‌بینی شده است، کارآیی بیشتری پیدا می‌کرد.

با بررسی های صورت گرفته در حقوق انگلستان، نهادی تحت عنوان تعویق تعقیب پیش بینی نشده است.

#### ۴-۲- اخطار مشروط بزرگسالان<sup>۱</sup>

یکی از موارد اعمال قاعده اقتضای تعقیب در حقوق انگلستان، استفاده از اخطار مشروط است.

« اخطار مشروط » یعنی اخطاری که در رابطه با یک جرم ارتكابی ارائه می گردد و به جای آنکه پرونده به دادگاه ارجاع شود، معلق می شود؛ این اخطار الزاماتی دارد که در قالب شروطی به اخطار ضمیمه می شود و مرتکب باید آنها را رعایت کند. این روش به دادستان این امکان را می دهد تا اخطاری متناسب با شرایط جرم پیشنهاد کند و به متخلف فرصت داده می شود تا شروط پذیرفته شده را برآورده کند. جایی که شروط اجرا شود، پیگرد قانونی به طور عادی آغاز نمی شود (شکرچی زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

اخیراً دادستانها از اخطار مشروط در امر تعقیب استفاده می کنند که این خود نشان از تغییر قدرت از دادگاهها به دادستانهاست و به نوعی CPS نقش قضات را بر عهده گرفته است (قضاوتی شدن امر تعقیب) (House of commons justice committee, 2008-9:21).

صدور اخطار مشروط بزرگسالان می تواند براساس بزه ارتكابی با شروط بازتوانی و اصلاحی<sup>۲</sup> (جرایم وابسته به مشروب الکلی و مواد مخدر)، جبرانی<sup>۳</sup> در قالب پرداخت خسارت (جرایم مالی)، محدود کننده<sup>۴</sup> (جرم سرقت و محدودیت در وارد شدن در اماکن خاص مثلاً مراکز خرید)، تنبیهی<sup>۵</sup> (پرداخت جریمه و جزای نقدی) همراه باشد. البته براساس آیین نامه اجرایی دادستانها، شروط اصلاحی و جبرانی مقدم بر شروط تنبیهی هستند<sup>۶</sup>.

اخطار مشروط علاوه بر آنکه مانع جذب بیشتر متهم در نظام عدالت کیفری می شود باعث ۱- کاهش احتمال ارتکاب جرم مجدد می شود. ۲- اعمال آن به نفع بزه دیده و کل جامعه است. ۳- صدور این اخطار به نفع بزهکار است و اساساً به CPS در مسئولیت خود برای کاهش جرم کمک می کند.

در بند ۷-۱- کد دادستان های سلطنتی انگلستان سال ۲۰۱۸ قید شده که صدور اخطار مشروط از اختیارات CPS است. البته این اقدام با ملاحظه اهدافی همچون بازپروری<sup>۷</sup> و جبران خسارت<sup>۸</sup> بر اساس قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ صورت می گیرد. با توجه به اینکه سیاست جنایی تقنینی انگلستان در مورد نوع جرایم برخوردار از اخطار مشروط بزرگسالان، سکوت اختیار کرده است بر اساس بخش سوم آن قانون، دادستانی مکلف گردیده در رابطه با شیوه صدور اخطار مشروط

1. Adult conditional caution.

2. Rehabilitative conditions.

3. Reparation conditions.

4. Restrictive conditions.

5. Punitive conditions.

6. Revised code of practice for conditional cautions- Adults, 2009, op. cit. NO7-2.

7. Rehabilitation.

8. Remedy.

دستورالعملی برای دادستان ها صادر کند (سیاست جنایی قضایی) که در این دستورالعمل جرایمی که مشمول اخطار مشروط می شوند پیش بینی شده اند. این دستورالعمل ها برای افسران پلیس و دادستان ها بر اساس بخش A37 قانون ادله کیفری و پلیس ۱۹۸۴ لازم الاجراست. علاوه بر آن CPS به طور مرتب اطلاعات مربوط به اخطار مشروط را در سایت خود بارگذاری می کند<sup>۱</sup>. در این رابطه باید گفت در حقوق انگلستان، امکان صدور اخطار مشروط بزرگسالان در جرایم اختصاری و دووجهی امکان پذیر بوده؛ لکن در جرایم قابل رسیدگی با کیفرخواست این امکان وجود ندارد. اخطار مشروط در سوابق کیفری متهم ثبت می شود تا چنانچه مجدداً متهم مرتکب جرم شود توسط دادستان ها مورد توجه قرار گیرد.

از جمله شرایطی که برای صدور این اخطار در حقوق انگلستان برشمرده اند این است که:

- (۱) بر اساس بند ۴-۷ کد مذکور، اقرار متهم به ارتکاب بزه ضروری است.
- (۲) موافقت بزهکار با صدور اخطار مشروط: به لحاظ شرایطی که در اثر صدور این اخطار بر عهده متهم گذارده خواهد شد، اعلام موافقت وی با این اقدام پیش از پیش اهمیت خود را نشان می دهد. به همین جهت است که در دستورالعمل های صادره قید شده که مقام ذی ربط باید عواقب پذیرش اخطار مشروط را برای متهم تبیین کند و اشاره کند در صورت عدم رعایت شرایط، تعقیب از سر گرفته خواهد شد.<sup>۲</sup> مشابه این شرط در حقوق کیفری ایران در بحث قرار تعلیق تعقیب در مواد ۸۱ و ۸۲ نیز پیش بینی شده است.

### (۳) رعایت آزمون Full test

هم از جهت اینکه بزه انتسابی با ادله و مدارک ارائه شده قابل اثبات است و هم این که منفعت عمومی نیز تعقیب را اقتضا می کند باید جهت صدور اخطار مشروط وجود داشته باشند.

با توجه به اینکه اخطار مشروط بزرگسالان، یک نوع انصراف از تعقیب کیفری توأم با مداخله مقام تعقیب است چنانچه متهم، شروط و دستورات مندرج در مداخلات را رعایت نکند در کلیه شروط اعلامی، ضمانت اجرای پیش بینی شده، از سرگیری مجدد فرایند تعقیب است.

در حقوق ایران، اخطار مشروط بزرگسالان به عنوان جایگزین تعقیب کیفری، شناخته نشده است و خلأ وجود این جایگزین با توجه به گسترش تنوع جایگزین های تعقیب و فوایدی که در بر دارد احساس می شود.

### ۵-۲- اخطار مشروط جوانان<sup>۳</sup>

یکی از ابزارهایی که «سیاست کیفری انگلستان» برای رسیدن به خواسته کامیابی در مواجهه با پدیده بزهکاری اتخاذ نموده است، اعمال قاعده اقتضای تعقیب از طریق صدور اخطار مشروط جوانان می باشد از آن زمان که این روش در قالب یک قانون اجرایی توسط پارلمان تصویب شده است جلوه گاهی برای ظهور و بروز سیاست کیفری تقنینی این کشور می باشد.

1 . [www.cps.gov.uk](http://www.cps.gov.uk)

2 . Revised code of practice for conditional- Adults, 2009, Annex, op. cit, No23-4.

3. Youth conditional caution.

«اخطار مشروط جوانان» اخطاری است که برای کودکان معارض قانون، صادر می شود و شروطی دارد که به آن ضمیمه شده و مجرم بایستی این شروط را عملی سازد. این شروط همانند سایر جایگزین های تعقیب، شامل اصلاحی یا بازتوانی، جبرانی، تنبیهی و محدود کننده هستند. اخطار مشروط جوانان اختیاری بوده و کودک معارض قانون هم در مرحله پذیرش این اخطار و هم در مرحله اجرای شروط اخطار، از آزادی کامل برخوردار است و در هر مرحله می تواند ضمن اعلام عدم رعایت شروط، تقاضای اعمال تعقیب قانونی را بنماید.

کاهش ورود متهم به فرایند دادرسی، اصلاح و بازاجتماعی کردن متهم و جبران خسارت وارده به بزه دیده از جمله اهداف مهم صدور اخطار مشروط جوانان است. جرایم اختصاری و دوجویی برخوردار از صدور اخطار مشروط جوانان بوده برخلاف جرایم قابل رسیدگی با کیفرخواست که محروم از اعمال این جایگزین خواهند بود.

در بندهای ۶۵ تا ۶۶ قانون جرم و بی نظمی سال ۱۹۹۸ طرح جدیدی ارائه شد که شامل توییح و اخطارهای پلیس برای مجرمان جوان بود. این توییح با مداخله پلیس همراه بود تا احتمال ارتکاب جرم در آینده را کاهش دهد. می توان در بزه اول به شرطی که بزه ارتکابی شدید نباشد اخطار صادر کرد. در مورد جرم دوم نیز در صورتی که ۱- جرم جدید نباشد. ۲- بیش از دو سال از اولین اخطار گذشته؛ می توان اخطار صادر کرد. توییح و اخطار در کلانتری صادر می شود. پلیس زمانی این اخطار را صادر خواهد کرد که ۱- متهم اتهام را پذیرفته باشد. ۲- محکومیت قبلی وجود نداشته باشد. ۳- تعقیب کیفری به نفع عموم نباشد.

در این زمینه، آیین نامه اجرایی برای اخطار مشروط جوانان ۱۶ و ۱۷ ساله<sup>۱</sup> در حقوق انگلستان که به موجب بخش G ۶۶ قانون جرم و بی نظمی سال ۱۹۹۸ تصویب شده است، بیان شده که پلیس و تیم رسیدگی کننده به جرایم جوانان، باید مقدمات حفظ نیازهای جوان به حمایت و امنیت را مهیا کرده و رشد و سلامت وی را مدنظر قرار دهد. سازمان های ذی ربط باید اطمینان حاصل کنند که اخطار مشروط برای جوان و یا شرایط خاصی که رفاه و امنیت جوان را به خطر می اندازد پیشنهاد نشوند (شکرچی زاده، ۱۳۹۴: ۲۲۳).

گاهی اوقات مجرم جوان شروط اعلامی را با ارائه عذر منطقی رعایت نمی کند در این صورت سرویس دادستانی دو گونه برخورد می کند: یا مدت زمان اجرای شروط را تمدید می کند یا اینکه شرایط اولیه را تغییر می دهد که این تغییر بیش از یک بار امکان پذیر نبوده؛ در صورت عدم رعایت این موارد تعقیب کیفری صورت خواهد گرفت. برخی اوقات عدم رعایت شرایط پیش بینی شده بدون عذر است، در این صورت ضمن لغو اخطار مشروط، شرایط برای تعقیب کیفری مجرم مهیا می شود. ماده E ۶۶ قانون جرم و بی نظمی در این مورد اعلام می دارد: «اگر مجرم بدون عذر منطقی از رعایت شرایط ضمیمه شده به اخطار مشروط سرپیچی کند، اقدامات جزایی علیه او برای جرم مورد نظر اجرا می شود».

1 . code of practice for youth conditional caution for 16&17 year olds.

اخطار مشروط جوانان نیز به مانند اخطار مشروط بزرگسالان مختص حقوق کیفری انگلستان بوده و در قانون آیین دادرسی کیفری ایران چنین جایگزینی برای تعقیب پیش بینی نشده است. ضروری است با توجه به اهداف و آثاری که صدور این اخطار در بردارد مقنن ایران نیز این گونه جایگزین تعقیب را در متون قانونی پیش بینی کند.

## پیشنهادات

- ۱) تصویب دستورالعمل و رهنمودهایی در راستای نحوه تعقیب، تشخیص مصلحت و منفعت تعقیب، قلمرو اعمال اصل اقتضاء تعقیب و جایگزین های تعقیب کیفری در حقوق ایران مانند آنچه در حقوق انگلستان در قالب کدهای دادستانی یا آیین نامه های اجرایی پیش بینی شده است. این امر در راستای امر قانون مداری در قلمرو قوانین شکلی و مطابق با سیاست جنایی نوین از خودسری، غرض ورزی، سلیقه گرایی و سوء استفاده از قدرت مقامات تعقیب، جلوگیری خواهد کرد.
- ۲) اعمال جایگزین های تعقیب کیفری با تحقق شرایط قانونی، جنبه الزامی داشته و عبارت «می تواند» از متون قانون آیین دادرسی کیفری حذف شود به نحوی که چنانچه دادستان، متمایل به ادامه تعقیب باشد، درصدد ارائه دلایل قابل قبول برای تداوم امر تعقیب باشد.
- ۳) اعطای اختیار محدود و ضابطه مند به پلیس در جرایم سبک تحت نظارت دادستان جهت صدور اخطار به عنوان یکی از جایگزین های تعقیب.
- ۴) پیش بینی جایگزین های تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری ایران همچون اخطار ساده و مشروط و معامله اتهام و پذیرش بزهکاری که در حقوق انگلستان پیش بینی شده است.
- ۵) گسترش محدوده جرایم مشمول اصل اقتضاء تعقیب، همانند محدوده جرایمی که قانون مجازات اسلامی، مجازات آنها را قابل تعلیق دانسته است (یعنی از درجه ۳ تا ۸).

## نتیجه گیری

امروزه دست اندرکاران نظام عدالت کیفری کشورهای مختلف به جای تمرکز بر تعقیب الزامی متهم با توجه به اینکه مصالح فردی و اجتماعی فقط در گرو پیگرد متهم و کیفردهی نیست، به سنجش مصلحت عمومی در امر تعقیب مبادرت می ورزند؛ تا در صورت نامتناسب بودن تعقیب به شیوه های کنار گذار تعقیب از رهگذر جایگزین های تعقیب روی آورند. اتخاذ این شیوه ها از سوی دادستان ها دارای آثار مدیریتی، جرم شناختی و اقتصادی بر بزهکار و بزه دیده و نهادهای عدالت کیفری است. نهایتاً توجه بیشتر تصمیم گیران سیاست جنایی به راهبردهای مفید بودن تعقیب که بر مصلحت، عقلانیت و مدارا گرایی کیفری مبتنی است، نقش مؤثری در سازماندهی نظام و مدیریت عدالت کیفری ایفاء می نماید؛ خصوصاً اینکه امروزه می توان، همگرایی جهانی در زمینه کنار گذاری شیوه های سرکوبگر کیفری و استفاده از تدابیر ارفاقی و روادارانه کیفری در سیاست جنایی کرامت مدار را مشاهده نمود.

جایگزین های تعقیب کیفری درصدد آن است که اعتبار از دست رفته نظام عدالت کیفری را در این خصوص اعاده کند، زیرا در این نگاه، دادستان با توجه به شخصیت متهم، جرم ارتكابی و میزان ضرر و زیان وارده، از یک سو درصدد آن است که واکنش کیفری را به گونه ای سازمان بخشد که بر شخص مؤثر واقع شود و از سوی دیگر زمینه بازگشت او به جامعه و فعالیت های اجتماعی را فراهم کند.

در نظام عدالت کیفری ایران، تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تعقیب گرای حاکم بوده و چارچوب اصلی و رویکرد حاکم در مورد تعقیب، نظام تعقیب سنتی (الزامی بودن تعقیب) بوده است. از این رویکرد یک سویه و تحمیلی در مواردی عدول شده و موجبات تعدیل آن با پذیرش برخی جایگزین های تعقیب فراهم شده است.

جایگزین های تعقیب عمومی در انگلستان بر خلاف ایران، نمود بیشتری دارند و شاهد توسعه آنها در آن کشور هستیم. حال اگرچه هدف از نگارش این مقاله اولاً: شناسایی جایگزین های تعقیب کیفری در نظام حقوقی ایران و انگلستان و بررسی وجوه افتراق و اشتراک آنها بوده؛ ثانیاً: به لحاظ تنوع جایگزین های تعقیب در انگلستان، بررسی امکان یا عدم امکان بهره برداری از این جایگزین ها در نظام حقوقی ایران بوده است؛ لکن برای پذیرش یک نهاد در حقوق یک کشور در درجه نخست باید میزان سازگاری آن را با اصول و قواعد مورد پذیرش در آن کشور بررسی نمود تا از این طریق نحوه جایگیری نهاد تازه وارد در حقوق آن کشور آشکار گردد. البته اعمال شیوه های جایگزین تعقیب در همه کشورها به یک صورت نیست و هدف از مطالعه تطبیقی وارد کردن بدون چون و چرای جایگزین های تعقیب در نظام کیفری ایران نیست؛ هدف آن است که متولیان و دست اندرکاران سیاست جنایی کشور با بهره گیری از مطالعات تطبیقی و متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی به نوع و نحوه بهره برداری از برخی از جایگزین های تعقیب کیفری انگلستان، مانند معامله اتهام، پذیرش بزهکاری، اخطار مشروط جوانان و بزرگسالان و... توجه کنند؛ زیرا به لحاظ گستردگی و تنوع جایگزین ها، مقام تعقیب در تطبیق هر یک از مصادیق با بزه ارتكابی، امکان بیشتری خواهد داشت. بدیهی است تا زمانی که در بطن جامعه بستر فرهنگی و اجتماعی لازم برای این اندیشه فراهم نگردد، اجرای آن عقیم می ماند.

## منابع و مآخذ

- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۹۲). **حقوق جزای عمومی**. جلد اول، چاپ ۳۰. تهران: میزان.
- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ، بولوک، برنارد. (۱۳۷۷). **حقوق جزای عمومی**، ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۴). **تحول جایگاه دادسرا و توافقی شدن امر تعقیب**، گروهی از مؤلفان، تأملاتی در حقوق تطبیقی، به مناسبت نکوداشت دکتر حسین صفایی، تهران: چاپ دوم، انتشارات سمت و مؤسسه حقوق تطبیقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۵). **آیین دادرسی کیفری**، چاپ نوزدهم، تهران: سمت.
- افصلی، سیروس، عباس زراعت و محسن شکرچی زاده (۱۴۰۰). **الگوی میانجی گری در دادرسی بزه دیده - بزهکار در نظام حقوقی ایران و اسلام**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه سمنان، سال ۱۳، شماره ۲۴.

- بابایی، علی حسن. (۱۳۹۹). **سیر تحول واکنش اجتماعی در قبال بزهکاری اطفال در حقوق ایران و انگلیس**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- بوریگان، ژاک و سیمون، آن ماری. (۱۳۸۹). **آیین دادرسی کیفری**. ترجمه عباس تدین، انتشارات خرسندی.
- تقی پور، علیرضا و واحد سلیمی. (۱۳۹۷). **تأثیر اندیشه های جرم شناسی بر کاهش موارد تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری**. پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۷، شماره اول، سال نهم.
- جانی پور، مجتبی؛ رخساره قریب. (۱۳۹۶). **مطالعه تطبیقی قلمرو و معیارهای اعمال میانجی گری کیفری در حقوق ایران، انگلستان و بلژیک**. پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هشتم، شماره اول، شماره پیاپی ۱۵.
- جمشیدی، علیرضا و علیرضا نوریان. (۱۳۹۲). **متناسب بودن تعقیب کیفری؛ مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان**، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۳.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و محسن نورپور. (۱۳۹۴). **تعقیب زدایی کیفری، بازتابی نوین از الناگرایی کیفری**. پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره دوم.
- حسینوند، موسی. (۱۳۹۴). **میانجی گری کیفری در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی**. تهران: چاپ اول، انتشارات مجد.
- درویشی هویدا، یوسف. (۱۳۹۰). **مطالعه‌ای بر میانجی گری به عنوان روش دوستانه حل و فصل اختلاف**. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
- روشن قنبری، عطاء الله. (۱۳۸۹). **تکاهی به معامله اتهام در حقوق ایالات متحده**. ماهنامه حقوقی کانون سردفتران و دفتر یاران، شماره ۱۰۳.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۸). **بنیادهای دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل.
- زید شریفی، منا. (۱۳۸۵). **میانجی گری کیفری**. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- شکرچی زاده، محسن. (۱۳۹۴). **آیین دادرسی کیفری انگلستان (قاعده اقتضای تعقیب)**، چاپ اول، انتشارات مجد.
- عالیپور، حسن و عطیه عباسیان. (۱۳۹۴). **ظرفیت‌های تعمیم نهاد معامله اتهام به نظام کیفری ایران**. مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲.
- عباسی، مصطفی. (۱۳۸۲). **نهاد میانجی گری**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- فروزش، روح الله. (۱۳۸۶). **عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران**. تهران: انتشارات خرسندی.
- قادری پور، کلثوم. (۱۳۹۳). **جایگزین‌های تعقیب کیفری از منظر سیاست جنایی ایران**. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و ادبیات دانشگاه کرمان.
- گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۳). **آیین دادرسی کیفری**. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل.
- گلدوست جویباری، رجب؛ قلی پور جمنانی، فرامرز. (۱۳۹۴). **عدول از اصل تفکیک مقام تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲**. مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و نهم، شماره ۹۲.
- مسجدی، پرویز. (۱۳۹۴). **بررسی نهاد تعلیق تعقیب در حقوق کیفری ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تبریز.
- میری، سید رضا. (۱۳۹۰). **تعقیب کیفری**، چاپ اول، انتشارات مجد.



- نصرتی، یزدان. (۱۳۹۷). **چالش های توسعه جایگزین های تعقیب کیفری**، با نگاهی به حقوق انگلستان، رساله دکتری، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- نوریور، محسن. (۱۳۹۲). **جایگزین های تعقیب کیفری و جایگاه آن در سیاست جنایی تقنینی ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- نوریوزی، بهروز؛ نسرین مهرا؛ علی صفاری و محمدعلی مهدوی ثابت. (۱۳۹۶). **اصل اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان**. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۴.
- نیاز پور، امیر حسن. (۱۳۹۰). **توافقی شدن آیین دادرسی کیفری**، نشر میزان، چاپ دوم، تهران.

UNCORRECTED PROOF